

انحلال مجلس کویت و پایان دموکراسی دولا دولا



میراحمدرضا مشرف پژوهشگر حوزه بین‌الملل

«**شترسواری دولا دولا نمی‌شود**»؛ این مثل معروفی است که شاید عرب‌ها پیش از همه آن را درک کنند. در توضیح یکی از جنبه‌های این ضرب‌المثل آمده فردی که به تازگی شترسواری آموخته و یا هنوز کاملا بر مهار شتر مسلط نشده است، برای مدیریت اوضاع و آسان‌تر شدن مهار شتر خود را روی آن دولا می‌کند و در اصطلاح **دولا دولا شترسواری می‌کند**. اما این فرد نمی‌تواند همیشه این گونه به شترسواری ادامه دهد بلکه باید تلاش کند تا به تدریج خود را از این حالت خارج کرده و به روال معمول و عادی از شترش سواری بگیرد. حالا کماکیت دموکراسی کویت هم به همین ضرب‌المثل شباهت پیدا کرده است. ده‌ها سال است این کشور با نظامی اداره می‌شود که نه می‌توان نام دموکراسی را بر آن نهاد و نه مانند دیگر کشورهای همسایه‌اش در خلیج فارس، آن را در قالب اقتدارگرایی و استبدادی مطلق جای داد. این شرایط وضعیت را به جایی رسانده که این کشور مرغه و پیشرو به لحاظ فرهنگی و سیاسی در جهان عرب، اکنون در جایگاه یکی از بی‌ثبات‌ترین دولت‌های منطقه قرار گرفته و در عمر نه چندان طولانی خود، نزدیک به ۲۰ه انتخابات پارلمانی تجربه کرده است.

در کویت چه خبر است؟

در شرایطی که نمایندگان منتخب مجلس کویت خود را برای آغاز به کار دور جدید مجلس در روز دوشنبه هفته گذشته مهیا می‌کردند، امیر کهنسال اما تازه به قدرت رسیده کویت شیخ مشعل الاحمد الصباح، به یکباره تصمیم خود را برای انحلال مجلس و تعلیق برخی اصول قانون اساسی به مدت ۴ سال اعلام کرد. وی با این اظهارات که کویت اخیرا روزهای سختی را پشت سر گذاشته و تاخیر در اتخاذتصمیم برای نجات کشور بیش از این جایز نبود؛ از سوء استفاده از دموکراسی برای تخریب کشور، توقف منافع ملت، گسترش فساد و هدر رفتن بودجه عمومی سخن گفت و در عین حال نسبت به تخطی از برخی حدود و ضوابط قانون اساسی و به‌ویژه دخالت برخی نمایندگان در حیطه صلاحیت‌های امیر لب به شکایت گشود. همه اینها در شرایطی رخ می‌داد که به رغم گذشت چند هفته از برگزاری انتخابات پارلمانی در اواخر فروردین ماه، بن بست سیاسی میان نمایندگان و دولت انتصابی امیر مانع از تشکیل دولت جدید در موعد مقرر (ده هفته بعد از انتخابات) شده بود. فقط در سایه انحلال مجلس است که شیخ مشعل به دور از هرگونه دغدغه سیاسی و نگرانی، تشکیل کابینه می‌دهد و شروع به کار دولت جدید را اعلام می‌کند و دوره نوینی از تاریخ سیاسی این کشور را رقم می‌زند. با این حال بن بست میان مجلس و دولت در کویت موضوعی تازه و مختص به این روزها نیست. در طی چند سال گذشته شاهد برگزاری حداقل ۴ انتخابات پارلمانی زودتر از موعد مقرر در کویت بوده‌ام که قریب به اتفاق آنها در نتیجه بن بست سیاسی میان نمایندگان مجلس و دولت‌های مورد حمایت امیران کویت برگزار شده است. شیخ مشعل، امیر جدید کویت حداقل در برگزاری سه دوره از این انتخابات‌ها به شکلی مستقیم نقش آفرینی داشته است. به جز انتخابات اخیر که در ماه‌های ابتدایی زمامداری وی برگزار شد، در دوران ولیعهدی نیز در کفالت از امیر سابق، مجلس ملی را منحل و دستور انتخابات زودهنگام را صادر کرده بود. اما آنچه که این انحلال پارلمانی را از موارد پیشین کاملا متمایز می‌کند، اعلام تعلیق همزمان برخی از اصول قانون اساسی است که به نحوی مستقیم با مجلس ملی و وظایف و عملکردهای آن ارتباط دارند.

نقش و جایگاه مجلس در نظام سیاسی کویت

نظام سیاسی کویت در عین سادگی ظاهری به لحاظ ساختاری، با ماهیت بسیار پیچیده‌ای روبه رو است. این کشور اولین دولت عربی محسوب می‌شود که نظام پارلمانی را پذیرفت و در میان امن‌ترین‌های حاشیه خلیج فارس نیز تنها کشوری است که در آن نمایندگان مجلس با رأی مستقیم مردم و برای یک دوره ۴ ساله انتخاب می‌شوند. از دیگر پیشرفت‌های مهم نظام سیاسی کویت اعطای حق رای و نامزدی مجلس به زنان است که در سال ۲۰۰۵ امکان‌پذیر شد. اما پیچیدگی ماجرا از جایی آغاز می‌شود که این مجلس در برابر یک دولت و نخست‌وزیر انتصابی قرار می‌گیرد. آن هم در شرایطی که حق برکناری نخست‌وزیر و سقوط دولت را به تمام و کمال ندارد. مجلس درحالی‌که هیچ حق قانونی در انتخاب دولت ندارد، صرفا می‌تواند بر کار کابینه و یک‌یک وزیران نظارت کند و حتی آنها را به صورت انفرادی مورد استیضاح قرار دهد.

در سال‌های اخیر مجالس ملی کویت نشان داده‌اند که در این زمینه کاملا قاطعیت داشته و نقش و وظایف محول شده به آنها را تشریفاتی نمی‌دانند. همین موضوع زمینه‌ساز دردسرهای بزرگی به خصوص در یک دهه گذشته شده است. با در نظر گرفتن اینکه نخست‌وزیر و اعضای کابینه از جانب امیر انتخاب می‌شوند و از آن مهم‌تر اغلب از خانواده سلطنتی (آل صباح) هستند که هیچ‌گاه عضو منتخب پارلمان هم نبوده‌اند؛ پذیرش و درک این امر که نمایندگانی عادی آنها را به چالش کشیده یا حتی مورد استیضاح قرار دهند، برای خاندان آل صباح بسیار دشوار به نظر می‌رسد. با این اوصاف اگر اکثریت مجلس هم به مخالفان دولت تعلق گیرد – موردی که در یک دهه اخیر به‌طور متوالی تکرار شده است– آن وقت شاهد شکل‌گیری بن‌بست‌های سیاسی متعددی خواهیم بود که در قانون اساسی نیز راهی برای خروج از آن پیش‌بینی نشده است. در این راستا حتی تفکیک مقام ولایت عهدی از نخست‌وزیری (۲۰۰۳) که به منظور پاسخگو ساختن هرچه بیشتر نخست‌وزیر به مجلس انجام گرفت، نیز نتوانست گره چندانی از این مشکل باز کند. در عین حال در مورد نقش و جایگاه مجلس ایهامات دیگری هم وجود دارد. این موضوع که مجلس ملی (۵۰ نفر منتخب، به اضافه کابینه ۱۵ نفری دولت) و امیر کویت به صورت مشترک مسئولیت قوه مقننه (اصل ۵۱ قانون اساسی) و اصلاح قانون اساسی (اصل ۱۷۴) را برعهده دارند، می‌تواند جنجال‌برانگیز و محل اختلافات فراوان باشد. بدین ترتیب امیر در روند قانون‌گذاری، اصلاح قوانین و تعیین سیاست‌های کلی نظام نقش کاملاً تعیین‌کننده خواهد داشت. از سوی دیگر براساس اصل ۷۹، تصویب هر قانونی از سوی مجلس صرفا با تایید و توشیح شخص وی امکان‌پذیر خواهد بود. باید به این موارد اختیار انحلال مجلس توسط امیر را هم افزود، که البته در قانون اساسی منوط به ارائه دلایل مستدل از جانب امیر و اعلام برگزاری انتخابات زودهنگام در کمتر از ۶۰ روز شده است. بحث مصونیت قضایی نمایندگان مجلس در انجام وظایف نمایندگی و موضوع جرم‌انگاری هرگونه توهین به امیر کویت هم چالش دیگری است که بارها تقابل مجلس و خاندان آل صباح را در پی داشته و حتی به دستاویزی برای صدور فرمان انحلال مجلس تبدیل شده است؛ کما اینکه شیخ مشعل دوره پیشین مجلس ملی را با استناد به همین دلیل به تعطیلی کشاند.

دلایل و عوامل انحلال پارلمان و تعلیق قانون اساسی

اگرچه انحلال پارلمان از جانب امیران کویت امری معمول و مرسوم بوده و به کرات اتفاق افتاده است، با این حال مساله تعلیق طولانی مدت برخی اصول قانون اساسی حکایت از آن دارد که تحولات کنونی را باید کاملا متفاوت از دوره‌های قبل تلقی کرد. اما در مورد اینکه چه دلایل و عواملی زمینه‌ساز رقم خوردن چنین تحولات عمیقی در کویت شده‌اند، شاید بتوان به چند نکته مهم اشاره کرد:

۱. **شخصیت امیر جدید کویت**: با توجه به اینکه ماهیت نظام سیاسی کویت پادشاهی است و امیر درواقع همان پادشاه تعیین‌نامه‌یافته و با صلاحیت‌ها و اختیارات فراوان و بعضضا نامحدود است تردیدی وجود ندارد که تیپ شخصیتی و ویژگی‌های فردی امیران بر روند تحولات کشور بسیار تاثیرگذار خواهد بود. خاندان آل صباح طی چند دهه اخیر نشان داده‌اند که در میان پادشاهان و امرای عرب از بیشترین انعطاف‌پذیری و ظرفیت تحمل در تعامل با مردم برخوردار هستند. بر همین اساس شاهد هستیم که اغلب تحولات سیاسی و اجتماعی کویت در قالب اصلاحات از بالا انجام گرفته است. تلاش‌های امیر جابر الصباح برای برخورداری زنان از حق رای یا اقدام او در تفکیک ولایت عهدی از نخست‌وزیری، در کمک به تعامل بیشتر دولت و مجلس نمونه‌هایی از این اصلاحات هستند. یا در مورد شیخ نواف الاحمد الصباح (امیر تازه‌گذشته کویت) باید گفت که شخصیت منعطف و مهربان وی که موجب شهرتش به «امیر عفو» شده بود، به مخالفان دولت مجال بیشتری برای فعالیت در صحنه سیاسی و حتی ارائه انتقادات تند از خاندان آل صباح داد.

به نظر می‌رسد که امیر جدید کویت شیخ مشعل الاحمد الجابر الصباح ۸۴ ساله که در آذرماه سال گذشته این منصب را به دست آورد، خصوصیاتی کاملا متفاوت از برادرش و حتی دیگر امرای سابق کویت دارد. وی در دوران کوتاه ولایت عهدی‌اش نشان داد که نه تنها در برابر مخالفان انعطاف‌ناپذیر خواهد بود، بلکه هرگونه انتقاد از امیر و خاندان آل صباح با ورود به حیطه اختیارات و صلاحیت‌های فردی آنان را تحمل نخواهد کرد. بر این اساس وی در فروردین ماه سال گذشته و به نیابت از امیر شیخ نواف بیمار، دستور انحلال مجلس منتخب را صادر کرد، درحالی‌که این تصمیم و رویکرد خود را «پیروزی اراده مردم»، خواند. همچنین نسبت به حفاظت از جایگاه و منزلت

رهبری عالی یعنی امیر و عدم نقض صلاحیت‌های قانونی وی هشدار داد. با این حال در آن هنگام بر پایبندی خود به قانون اساسی و تجسم نظر مردم به‌عنوان فصل الخطاب تاکید کرد.

اما اقدامات اخیر شیخ مشعل و به خصوص تعلیق اصولی از قانون اساسی نشان داد که وی نه تنها در برابر مخالفان انعطاف‌پذیر نیست، بلکه هیچ‌گونه پایبندی به قانون اساسی فعلی نیز ندارد؛ کما اینکه حکم تعلیق اصلی از قانون اساسی (۱۸۱) را صادر کرد که در آن به صراحت تاکید شده بود هیچ‌یک از اصول قانون اساسی جز در شرایط «حکومت نظامی» قابل تعلیق نیستند. درواقع اقدام امیر کویت نقض صریح و آشکار قانون اساسی فعلی محسوب می‌شود، همان اقدامی که وی در فرمان انحلال مجلس، دیگران را به انجام آن متهم می‌کند.

۲. **سلطه متدوام مخالفان بر مجلس ملی**: همان‌طور که پیش از این اشاره شد ماهیت نظام سیاسی کویت بر تقسیم قدرتی مبهم میان مجلس منتخب و دولت منتصب اتکا دارد و همین موضوع باعث شده تا نزاع و بن‌بست میان دولت و مجلس به امری معمول و متداول تبدیل شود. در این بین تنها در زمان‌هایی که افرادی همسو با دولت در مجلس بر سر کار آمده‌اند آرامش و ثبات سیاسی نسبی برقرار بوده است. تقریبا تا ۱۰ سال پیش و در زمان‌هایی که مخالفان دولت دست به تحریم انتخابات زده بودند، چنین شرایطی بر کشور حاکم بود. اما با بازگشت مخالفان به صحنه سیاسی و افزایش تدریجی قدرت و محبوبیت آنها، مشکلات دولت نیز زيودندان شده است. بنابراین دیدگاه تحلیلگران مسائل کویت، دولت منتصب از جانب سه طیف مخالف در مجلس تحت فشار قرار دارد؛ نخست طیف لیبرال‌ها و ملی‌گرایان، دوم ائتلاف شعبی‌ها که شامل جریان‌های شعبی – سنی و طیفی از ملی‌گرایان می‌شود و درنهایت اسلام‌گرایان اخوانی و سلفی. با توجه به ممنوعیت فعالیت رسمی احزاب سیاسی در کویت، مشکل بتوان به آمار دقیقی در مورد حضور هر یک از این جریان‌های سیاسی در مجالس کویت دست یافت، اما شواهد و قرائن نشان می‌دهد که حداقل در سه انتخابات متوالی قبلی این جریان‌های موسوم به ائتلاف شعبی بوده‌اند که با همراهی طیف‌های دیگری چون لیبرال‌ها و ملی‌گرایان، اکثریت کرسی‌های مجلس را در اختیار داشته‌اند. این مخالفان بارها دولت را به چالش کشیده و با انتقادات آشکار و صریح از خاندان آل صباح، موقعیت و جایگاه سیاسی و اجتماعی آنها را به خطر انداخته‌اند. تلاش‌های بی‌وقفه خاندان آل صباح برای کم‌رنگ کردن نقش این مخالفان که با اقداماتی همچون انحلال زودهنگام پارلمان انجام گرفته نیز تاکنون ثمربخش نبوده است. بنابراین اقدام اخیر

امیر شیخ مشعل در تعلیق همزمان مجلس و برخی اصول قانون اساسی را شاید بتوان آخرین تیری دانست که دولت و امیر کویت در تکرش داشته‌اند.

۳. **ضعیت اقتصادی نابسامان کشور**: این دروست است که کویت با ارزش‌ترین پول ملی دنیا، بالاترین درآمد سرانه ملی، حداقل تورم و آمار صفر درصدی مردم زیر خط فقر را دارد، اما هیچ‌کدام دلیل آن نمی‌شود که رهبران این کشور نگران آینده اقتصادی نباشند. برخلاف بقیه کشورهای حاشیه خلیج فارس که تحولات اقتصادی عمیق و پیشرفت‌های چشمگیری را در سال‌های اخیر تجربه کرده‌اند، اقتصاد کویت در تمام این مدت درجا زده و حتی پسرفت داشته است. تداوم وابستگی ۹۰ درصدی دولت به درآمد‌های نفتی، ناکامی در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و کسر بودجه متوالی آن هم در شرایط پرداخت سوسپیدهای کلان به مردم، تنها بخشی از مشکلات وسیع اقتصادی این کشور را شامل می‌شود. در چنین وضعیتی بی‌ثباتی‌ها و کشمکش‌های سیاسی نیز به قول معروف قوز بالای قوز شده و موجبات ناکامی و بن‌بست دولت در اجرای برنامه‌های اصلاحی اقتصادی را فراهم کرده است. موضوع اصلاح قیمت بنزین توسط دولت و کاهش سوسپیدا از همین نمونه‌ها است که جنجال و تنش بزرگی به پا کرد و در مراحل اجرایی ناکام ماند. از سوی دیگر اوضاع سیاسی و اجتماعی کویت باعث شده تا این کشور از پروژه‌های کلان اقتصادی نیز باز بماند که آخرین مورد آن پروژه عظیم ۱۷ میلیارد دلاری «جاده توسعه» است. یادداشت تفاهم این پروژه میان ۴ کشور ترکیه، عراق، امارات و قطر به منظور اتصال اروپا به شورای همکاری خلیج فارس به امضار رسید، آن هم درحالی‌که کویت عمل‌اندایده گرفته شده و از آن کنار گذاشته شده بود. این موضوع باعث انتقادات زیادی در کویت شد و جالب این بود که هم مجلس و هم دولت یکدیگر را مسبب شرایط فعلی دانسته یا به کم‌کاری و اهمال در این زمینه متهم می‌کردند. بدین ترتیب وقتی امیر مشعل در بیانیه انحلال مجلس و تعلیق قانون اساسی به سوءاستفاده از دموکراسی برای تخریب کشور، توقف منافع ملت و هدر دادن بودجه عمومی اشاره دارد، کاملا روشن است که مجلس را مسئول رقم خوردن شرایط کنونی دانسته و انحلال و تعلیق را نه تنها راه چاره تلقی می‌کند.

پیامدهای این اقدام بر آینده سیاسی کویت

تصمیم امیر کویت در انحلال مجلس و تعلیق طولانی مدت قانون اساسی می‌تواند پیامدهایی را برای این کشور در حوزه‌های سیاسی – حقوقی از یک سو و حوزه اقتصادی از سوی دیگر دیگر داشته باشد. در حوزه سیاسی روشن است که برنامه کم‌رنگ سازی و حتی حذف نقش مخالفان از صحنه سیاسی کشور اجرا خواهد شد و کشور در کوتاه‌مدت به سوی استقرار یک نظام اقتدارگرا حرکت خواهد کرد. البته دقیقا روشن نیست که برخورد با مخالفان به چه نحو انجام خواهد گرفت و در این زمینه شدت عملی به خرج داده خواهد شد یا خیر. استقرار نیروهای مسلح در اطراف مجلس کویت بلافاصله پس از صدور فرمان امیر مشعل، درواقع به نوعی انتقال پیام و هشدار به مخالفان بود که برای مقابله با هرگونه مقاومت در برابر این فرمان، تصمیم جدی وجود دارد. در حوزه حقوقی و قانونی نیز از اظهارات امیر کویت در مورد بررسی «تمام جنبه‌ها و روند‌های دموکراتیک کویت» باید به این نتیجه رسید که بازگشت به قانون اساسی فعلی غیرممکن است و باید پس از ۴ سال در انتظار قانون اساسی تجدیدنظر شده‌ای باشیم که بن‌بست‌ها و اشکالات فعلی را به همراه نداشته باشد. اما اینکه قانون اساسی جدید به چه سمت‌وسویی خواهد رفت چندان روشن نیست؛ هرچند از قرائن می‌توان این‌گونه استنباط کرد که احتمالا به سمت‌وسوی استقرار مدل حاکمیتی نزدیک‌تر به دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس حرکت خواهد شد.

اما در حوزه اقتصادی از ۴ سال تعلیق قانون اساسی فرصتی برای امیر کویت و دولت منتصب وی خواهد بود تا برنامه‌های راکد مانده اقتصادی خود را به مرحله اجرا درآورند. این برنامه‌ها به نوعی جراحی اقتصاد کویت در راستای کاهش سوسپیداها و خدمات دولت به مردم خواهد بود. همان مواردی که به سوزه‌ای برای حمله نمایندگان مخالف به دولت تبدیل شده و در جذب آرای مردم نقشی حیاتی داشت. توجه به کاهش وابستگی به نفت و جذب هرچه بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی هم به‌طور قطع در برنامه‌های جدید اقتصادی دولت جای خواهد گرفت و احتمالا در این مسیر به توصیه‌های نهادهای جهانی همچون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول توجه بیشتری خواهد شد. بدون تردید تبعات اقتصادی این اصلاحات همچون افزایش تورم یا کاهش درآمد‌های مردمی، ایجاب می‌کرد که دولت در شرایط اقتدار کامل و بدون حضور جدی مخالفان، آن را به مرحله اجرا بگذارد.

پیامدها و تاثیرات بین‌المللی اقدامات امیر کویت

اقدامات امیر کویت تاکنون با واکنش‌های زیادی مواجه نشده است. مقامات ایالات متحده به‌عنوان کسانی که داعیه دفاع از ارزش‌های

لیبرالیسم و دموکراسی را دارند، در سکوتی عمیق روزه گرفته و تاکنون واکنش صریحی به این تحولات نشان نداده‌اند. روابط نزدیک دو کشور و وجود بزرگ‌ترین پایگاه‌های منطقه‌ای آمریکا در خاک کویت، برای خاندان آل صباح این اطمینان را ایجاد می‌کند که نگرانی چندانی نسبت به واکنش کاخ سفید نداشته باشند. در مورد کشورهای عربی منطقه نیز باید گفت شکی نیست که آنها به شدت از این تحول استقبال می‌کنند؛ چراکه با از میان رفتن تنها الگویی یک نظام مردمی در امارات نشین‌های خلیج فارس، آخرین بقایای دموکراسی در این منطقه نیز جمع خواهد شد و آنها نفسی به مراتب راحت‌تر از قبل خواهند کشید. استقبال عربستان از تحولات اخیر در کویت را دقیقا بر همین مبنا می‌توان مورد تحلیل قرار داد اما به نظر می‌رسد که کسان دیگری هم هستند که از این تحولات خشنود می‌شوند. رژیم صهیونیستی بدون تردید یکی از آنها است. در چند سال اخیر و به‌ویژه بعد از آغاز جنگ غزه، پارلمان کویت به کانون ضد صهیونیستی تبدیل شده بود و اکثریت نمایندگان تمام‌قد پست سر فلسطین و غزه ایستادند. ظاهرا دولت و خاندان آل صباح هم مواضع مشابهی داشتند، اما برخی تحلیلگران غربی باور داشتند که آنها بنابر فشار مجلس و مردم به اتخاذ چنین موضعی تن داده‌اند. اکنون که مجلس حذف شده است دولت و خاندان آل صباح در راه در پیش دارند. اول، مسیر گذشته را ادامه دهند تا در شرایطی که مجلس ملی را از بین برده و درصدد اصلاحات اقتصادی هستند، تغییر مواضع نسبت به اسرائیل زمینه نارضایتی هرچه بیشتر را فراهم نکند. اما در مسیر دوم می‌توانند همان برنامه بقیه کشورهای حاشیه خلیج فارس در عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی را دنبال کنند؛ موضعی که ظاهرا می‌تواند در پیشبرد برنامه‌های اقتصادی و جلب و جذب بدون مانع سرمایه‌گذاری‌های خارجی به آنها کمک کند. باید منتظر ماند و دید که امیر و دولت کویت کدام گزینه را انتخاب خواهند کرد.

تهران‌ها دوباره شادی جمعی در خیابان را تمرین کردند



پدیده‌های تهران‌ها دوباره شادی جمعی در خیابان را تمرین کردند و ولیعصر (عج) حداقل میدان ولیعصر تا پارک وی برگزار شد. سال گذشته نیز جشن غدیر این بار در مسیر میدان انقلاب تا میدان امام حسین (ع) و از غرب به مشرق به هم کشیده شد و شرکت‌کنندگان زیادی را از طیف‌های مختلف مردمی یا خود همراه داشت تا فضای عیدانه زیادی را به شهر بکشاند. به نظر می‌رسد مدیریت شهری و ترافیکی نیز از مراسم ابتدایی – که با چالش‌های جدی مواجه شده بود – توانسته به‌مرور اوضاع را بهبود ببخشد تا اوضاع ترافیکی شهر نیز با چالش‌های کمتری روبه‌رو باشد.



پدیده‌های تهران‌ها دوباره شادی جمعی در خیابان را تمرین کردند و ولیعصر (عج) حداقل میدان ولیعصر تا پارک وی برگزار شد. سال گذشته نیز جشن غدیر این بار در مسیر میدان انقلاب تا میدان امام حسین (ع) و از غرب به مشرق به هم کشیده شد و شرکت‌کنندگان زیادی را از طیف‌های مختلف مردمی یا خود همراه داشت تا فضای عیدانه زیادی را به شهر بکشاند. به نظر می‌رسد مدیریت شهری و ترافیکی نیز از مراسم ابتدایی – که با چالش‌های جدی مواجه شده بود – توانسته به‌مرور اوضاع را بهبود ببخشد تا اوضاع ترافیکی شهر نیز با چالش‌های کمتری روبه‌رو باشد.



پدیده‌های تهران‌ها دوباره شادی جمعی در خیابان را تمرین کردند و ولیعصر (عج) حداقل میدان ولیعصر تا پارک وی برگزار شد. سال گذشته نیز جشن غدیر این بار در مسیر میدان انقلاب تا میدان امام حسین (ع) و از غرب به مشرق به هم کشیده شد و شرکت‌کنندگان زیادی را از طیف‌های مختلف مردمی یا خود همراه داشت تا فضای عیدانه زیادی را به شهر بکشاند. به نظر می‌رسد مدیریت شهری و ترافیکی نیز از مراسم ابتدایی – که با چالش‌های جدی مواجه شده بود – توانسته به‌مرور اوضاع را بهبود ببخشد تا اوضاع ترافیکی شهر نیز با چالش‌های کمتری روبه‌رو باشد.



روز جمعه ۲۸ اردیبهشت‌ماه تهرانی‌ها دوباره توانستند در یک جشن خیابانی با نام «جشن امام‌رضایی‌ها» شرکت کنند. جشنی که این بار در حدفاصل میدان ولیعصر (عج) تا میدان هفت‌تیر در خیابان کریمخان برگزار شد و موکب‌های مختلفی برای برپایی آن شکل گرفت. از موکب‌های پذیرایی و مولودی خوانی تا نقاشی و بازی و حتی فوتبالیستی!

برگزاری جشن‌های خیابانی در شهرهای بزرگ به خصوص تهران در دهه ۸۰ نیز وجود داشت که تحت‌عنوان خیابان هنر در بلوار کشاورز تهران برگزار می‌شد، اما این جشن‌های خیابانی در سال‌های اخیر با الگو گرفتن از موکب‌های اربعینی اما با فضای شاد و به‌منظر شادی اهالی پایتخت در سال‌های اخیر



فرهنگ‌نخبگان

فرهنگ‌نخبگان

شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۳

شماره ۴۱۴۰

WWW.FDN.IR

FARHIKHTEGANDAILY

